

پادشاهان نفت

اسرار مذاکرات پشت پرده فروش نفت ایران

چگونه ایران، آمریکا و عربستان سعودی توازن قدرت در خاورمیانه را تغییر دادند

آندرو اسکات کوپر

غلامرضا کریمیان



نشر اشاره

کوپر اندرو اسکات . Cooper, Andrew Scott

پادشاهان نفت: اسرار مذاکرات پشت پرده فروش نفت / اندرو اسکات کوپر: غلامرضا کریمیان

ISBN - 978 - 964 - 8936 - 74 - 2

تهران: نشر اشاره، ۶۸۰ ص.

فیب

The Oil King: How the U.S., Iran and Saudi Arabia Changed the balance of power in the middle East.

عنوان دیگر: چگونه ایران و آمریکا و عربستان سعودی توازن قدرت در خاورمیانه را تغییر دادند.

کتابنامه: اسرار مذاکرات پشت پرده فروش نفت ایران.

مکت، ایران - صنعت و تجارت، تاریخ، قرن ۱۴ / نفت - عربستان سعودی - صنعت و تجارت -

تاریخ، قرن ۲۰ م. / ایالات متحده - روابط خارجی - ایران. / ایران - روابط خارجی -

ایالات متحده. / ایالات متحده - روابط خارجی - عربستان سعودی. / عربستان سعودی -

روابط خارجی - ایالات متحده. / ایران - سیاست و حکومت ۱۳۲۰-۱۳۵۷.

کریمیان، غلامرضا، ۱۳۰۴، مترجم.

پ ۹ ک ۸۱۵۵ / ۸۱۸۳ B۱۸۳

۳۲۷/۷۳.۵۵

۳۵۴۵۹۵۹



نشر اشاره

پادشاهان نفت

اسرار مذاکرات پشت پرده فروش نفت ایران

آندرو اسکات کوپر

کریمیان، غلامرضا

حقوقچینی و صفحه‌بندی: بهرام کریمیان

رسم الخط و ترمیم خوانی: اشاره

ویرایشگر: دکتر زرافشان، عبداله

تنظیم و اجرای طرح جلد: قشقای، امیر

لیتوگرافی: قام، چاپ: فرشیو، صحافی: روشنگر

چاپ اول: ۱۳۹۳ شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۲ - ۷۴ - ۸۹۳۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - 978 - 964 - 8936 - 74 - 2

نشر اشاره، تهران، صندوق پستی ۱۱۷۷-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۶۶۴۱۸۹۱۱

Email: eshareh_pub@yahoo.com

حق چاپ محفوظ است.

قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال

۷		مقدمه مترجم
۹		پیش‌گفتار
۲۵		بخش اول / شمشیرزن در ۱۰۲۴ - ۱۹۶۰
۸۳		بخش دوم / نگرهبان خلیج فارس
۱۳۳		فصل سوم / سوگندهای ازدواج
۱۸۵		فصل چهارم / احتمالات
۲۳۷		فصل پنجم / ضربه نفت
۲۹۳		فصل ششم / تابستان بی‌رحم
۳۴۳		فصل هفتم / عقاب فریادکش
۳۹۷		فصل هشتم / شهرزاد رودخانه پوتوماک
۴۴۱		فصل نهم / جنگ‌های هنری
۵۰۳		فصل دهم / روح ۷۶
۵۵۱		فصل یازدهم / غضب شاهانه
۶۱۱		فصل دوازدهم / جنگ نفت
۶۷۱		سخن آخر

کتابی را که خوانندگان محترم در پیش رو دارند کتابی است مستند از تمامی رویدادهای قبل از انقلاب اسلامی ایران که تاریخ کامل رقابت‌های سخت کشورها، حاوره‌ها، عملیات تولید، خرید و فروش نفت را در برمی‌گیرد. اسرار و رازهای اطلاع دارند که مقامات کشورهای بزرگ متن کامل مذاکرات علنی و غیرعلنی انجام شده در جلسات برای عقد قراردادهای سیاسی و اقتصادی بین دولت‌ها را به طور کامل ضبط یا به وسیله اشخاص معین یا داشتن برداری می‌نمایند و سپس این یادداشت‌ها و نوارها در دستر مجرمانه وزارت‌خانه‌های مربوطه نگهداری و برای مدت زمان طولانی که از سی سال تجاوز نمی‌کند به عنوان اسناد مجرمانه هر دولتی باقی می‌ماند پس از سپری شدن آن مدت برای اطلاع عموم در اختیار پژوهش‌گران، مورخین، نویسندگان و روزنامه‌نگاران قرار می‌گیرد. این کتاب نیز که در اثر مساعی فوق‌العاده وسیع و پشت‌کار خستگی‌ناپذیر نویسنده از آرشیوهای وزارت خارجه آمریکا و مصاحبه با منابع مختلف دیگر استخراج گردید. روشنگر مطالب زیادی است که برای

علاقمندان به تاریخ معاصر ایران دارای نهایت اهمیت می باشد. گذشته از مطالب یاد شده به وسیله نویسنده، مترجم نیز اذعان می دارد که از لحاظ ترجمه خالی از نقص نمی باشد که امیدوارم با بزرگ نظری خوانندگان دانشمند مورد عفو و تنها مطالب سیاسی و تاریخی آن مورد استفاده قرار گیرد.

پیش‌گفتار

دیک چنی معاون وزارت خارجه آمریکا در روز ۲۵ نوامبر ۲۰۰۶ به ریاض پرواز نمود تا نزد ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی که کشور او یک پنجم ذخائر ثلث جهان را در اختیار دارد و بزرگ‌ترین تهیه‌کننده نفت در اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت) به شمار می‌رود مذاکره نماید. این مسافرت به این منظور انجام شد تا از طرف هم پیمانان آمریکا به ملک عبدالله اطمینان داده شود. پادشاه عربستان نیز از طرف متحدین آمریکایی خود احتیاج به اطمینان مجدد داشت. چندی قبل در همین ماه تلاش‌های تبلیغاتی آمریکا در عراق بعد از آن‌که رأی‌دهندگان در انتخابات میان‌دوستان موجب عقب‌نشینی سیاسی گردیده و در نتیجه قدرت از دست جمهوری خواهان خارج شده و در اختیار دموکرات‌ها قرار گرفته بود، بلافاصله جورج بوش رئیس‌جمهور با استعفای همکار چنی یعنی

دونالد رامزفلد^۱ وزیر دفاع موافقت و سعی نمود با متحدین دولتش در اداره امور جنگ گونه‌ای زمینه همکاری را فراهم نماید. برای اولین بار در دوره شش ساله و نیمه جنگ عراق، موضوع صحبت‌ها در واشینگتن، پیروزی در جنگ نبود بلکه باید راهی پیدا می‌کردند که نیروهای متحد را به‌طور منظم از عراق خارج نمایند. در این حال سعودی‌ها شروع به اظهار نگرانی کردند، که همسایه و رقیب تاریخی آن‌ها یعنی ایران ممکن است از فرصت استفاده نموده و بعد از خروج آمریکا از عراق خود را در منطقه علنی سازد. سفیر عربستان سعودی در واشینگتن، شاهزاده ترکی الفیصل گستاخانه به کاخ سفید اعلام نمود که چون آمریکا بدون دعوت وارد عراق شده لذا بدون دعوت نمی‌تواند آنجا را ترک کند.

در این حال بهای نفت نیز در بین مذاکرات معاون رئیس جمهوری با مسئولین عربستان به بیان کشیده شد. در تابستان ۲۰۰۶ بازار جهانی انرژی تثبیت شده و بهای نفت به میزان بی سابقه‌ای افزایش یافته بود. در نتیجه قیمت‌های در حال ترقی مواد سوختی موفقیت آمریکا و هم پیمانان او را مورد تشویق قرار داد. بهای نفت به هر بشکه ۷۸ دلار رسیده بود و برای سیاست خارجی آمریکا نیز چالشی در خاورمیانه جایی که تولیدکنندگان نفت به استفاده‌های کلانی دست یافته بودند ایجاد کرده بود. در کاخ سفید نگرانی ویژه بوش این بود که ایران با میلیارد‌ها دلار درآمد خود چه خواهد کرد. منافع ایران در سال گذشته به ۱۵ میلیارد دلار رسیده و روزنامه نیویورک تایمز گزارش داده بود که این ترقی به میزان زیادی در حال

رشد است و از سال ۱۹۷۴ (که درآمد نفت سه برابر شده بود) سابقه نداشته است.

کشورهای تولیدکننده نفت برنامه‌های مصرف بودجه خود را بر بنای قیمت‌های نفت قرار می‌دهند که از حد معین پایین‌تر نیاید. چنانچه قیمت نفت ناگهان به زیر آن سطح معین سقوط کند و چنانچه تولیدکنندگان ذخایر مالی کافی برای تحمل این ضربه را در اختیار نداشته باشند این احتمال وجود دارد که وضع مالی ناهنجاری پیش آمده میل به دلار درآمد که در انتظارش بودند دود شده و به هوا برود، در این صورت آنان مجبور خواهد شد صرفه جوئی را در پیش گرفته و تصمیم بگیرد که آیا درآمدهای خود را صرف خرید اسلحه نماید یا برای خرید مهم‌ترین مصرف‌کننده یا سیستم‌های پیچیده و یارانه‌های خواربار و سوخت مسکن و حمل و نقل که طبقه متوسط ایران را در تحت کنترل نگاه می‌دارد بهبود ببخشد.

تنها یک کشور است که امکانات مانگیر کنترل قیمت را روی آن میزان در اختیار دارد چون با ذخائر عظیم نفت و ظرفیت دست نخورده تولید، عربستان سعودی می‌تواند با پمپ مقدار کافی از نفت خام اضافی خود موجب اشباع بازار نفت شود تا سایر بازیگران نفت را شکسته و قیمت‌ها را پایین آورد.

خانواده سلطنتی سعودی دریافته است که قدرت نفت بیش از ایجاد ثروت، توسعه اقتصادی و حفظ قدرت را به همراه دارد. ضمناً نفت سلاح اولیه سعودی‌ها برای دفاع ملی خود و کلید امنیت و پایداری حکومت به شمار می‌رود. پر کردن بیش از حد بازار ابزار مبارزه اقتصادی بزرگ و برابر با انداختن بمبی بر روی قیمت است. بدون شک بازار اشباع شده و قیمت‌های پایین‌تر ناچاراً موجب از

دست دادن میلیاردها دلار یا از دست رفتن درآمد برای سعودی‌ها خواهد شد. ولی تهدیدی که از طرف ایران مشاهده شده مخرب‌تر از آن زبان به نظر می‌آمد و به همین علت در اواخر سال ۲۰۰۶ ملک عبدالله آماده شده بود به سراغ ذخائر نفتی خود برود.

یکی از اعضای خانواده سعودی که از مذاکرات بین ملک عبدالله و دیک چنی مطلع بود، اظهار داشت برنامه‌ای به آقای چنی پیشنهاد شده بود که میزان تولید را بالا ببرد تا قیمت نفت، امید ایجاد آشوب و اختلال در اوضاع اقتصادی ایران را بوجود آورد، بدون اینکه در برجام مستقیم گرفتار شود. روزنامه نیویورک تایمز نیز گزارش داده بود که اشاع بازگشت موجب گند شدن جریان حزب الله و رزمندگان شیعه در عراق بدون درگیری مستقیم خواهد شد. ضمناً سعودی‌ها انگیزه دیگری هم در سر داشتند چون طبق تجربه گذشته خود می‌دانستند که اگر بهامتن نفت مدت زیادی بالا بماند آمریکا مجبور خواهد شد مصرف خود را از نفت‌های خارجی کاهش داده و برای تشویق مردم به صرفه جوئی در مصرف و استفاده از منابع دیگر انرژی اقداماتی به عمل آورد. چون انکای که آمریکا بر روی نفت سعودی‌ها به معنای آن خواهد بود که فشار استراتژیک سعودی‌ها بر روی سیاست آمریکا نسبت به اسرائیل و خاور میانه کاهش می‌یابد.

۲۹ نوامبر ۲۰۰۶ یعنی چهار روز پس از بازگشت دیک چنی به واشینگتن روزنامه واشینگتن پست مقاله‌ای به قلم نواف عبدالمجید یکی از مشاورین امنیتی و عالیرتبه سعودی‌ها و عضو وابسته به مرکز مطالعات استراتژیک بین المللی منتشر نمود. مقاله عبید هشدار می‌داد که از جمله پی‌آمدهای خروج ناگهانی نیروهای آمریکا از عراق، دخالت گسترده سعودی‌ها برای جلوگیری از قتل عام

سنی‌های عراق به دست شبه‌نظامیان خواهد بود.

عبید به خوانندگان خود گوشزد می‌نماید که به عنوان مرکز اقتصادی خاورمیانه و زادگاه اسلام و رهبر بالفعل جامعه سنی جهان (که ۸۵ درصد مسلمین را تشکیل می‌دهد)، عربستان سعودی هم برای امکانات است و هم مسئولین مذهبی مربوطه را در خود دارد تا در امور دخالت نماید. در مقاله عبید یک تهدید نهفته و خوفناکی نیز وجود دارد که مسئولین تهران حتماً آن را دریافته‌اند. نهایت این‌که عبداللّه ممکن است تصمیم بگیرد ارسال پول ایران به غیرنظامیان را از طریق پیاسه نفتی خود به خطر اندازد. در صورتی که عربستان سعودی تولید نفت خود را افزایش داده و قیمت نفت را به نصف کاهش دهد باز هم می‌تواند از عهده هزینه‌های جاری خود برآید، ولی برای ایران با وجود مشکلات اقتصادی، حتی قیمت‌های بالای نفت امروز نیز ویران‌کننده خواهد بود.

مقاله عبید به این جهت نظر من را جلب نمود که من چندین ماه بود در حال مطالعه اثر مداخله عربستان در بازار نفت بودم.

در سال ۱۹۷۷ یعنی یک سال قبل از وقوع ناآرامی‌های انقلابی در ایران بازار نفت به علت اختلافی تلخ بین اعضای اوپک در مورد بهای نفت برای مصرف‌کنندگان فلج شده بود. شاه ایران پیشنهاد افزایش ۱۵ درصد بهای نفت در سال آینده را داده بود، ملکه خاله پادشاه عربستان در مقابل درخواست شاه مقاومت کرده و گفته بود: در حالی که اقتصاد غرب با رکود سختی مواجه است هیچ‌گونه افزایش قیمتی توجیه عاقلانه ندارد ولی شاه بالاخره در آن ایام موفق شد رضایت و همکاری سایر اعضای اوپک را به دست آورده و یک افزایش قیمت دو رقمی را برای سال ۱۹۷۷ تصویب نماید ولی پاسخ

عربستان تند و بی‌رحمانه بود. به طوری که ریاض اعلام نمود که اقدامات جدی به عمل خواهد آورد تا پیشنهاد ایران عملی نشود و این کار را از طریق تولید نفت افزودن بر سهمیه خود و پمپاژ اضافی نفت به بازار عملی کرده و زیر قیمت بالای پیشنهادی رقبای خود خواهد فروخت. در نتیجه این اقدام ایران یک شبه میلیاردها دلار از درآمد مورد انتظار خود را از دست می‌دهد. دولت شاه از این ضربه سرگیجه پیدا کرده بود مجبور شد از بانکهای خارجی درخواست وام نماید در نتیجه مخارج خود را به میزان فاحشی کاهش داد تا حسابها با متعادل سازد سپس یک برنامه صرفه جویی را مورد اجرا گذاشت که باعث بیکاری فراوان جوانان ایرانی و ریختن آنها به خیابان شد. این هرج و مرج اقتصادی باعث شد عقیده عموم مردم علیه حاکمان وطنش برانگیخته شود.

سی سال بعد تمام شانه‌ها حاکی از این بود که عربستان سعودی آماده شده بار دیگر شاهزاده‌های خود را تکرار کند.

هنوز مطالب زیادی درباره تلاشهای آمریکا و عربستان در راه بی‌ثبات کردن اقتصاد ایران در دوسال آخر حکومت بوش وجود دارد که ما از آنها اطلاعی نداریم ولی آن چیزی دائم این است که دولت سعودی علناً در مقابل مقاله نواف عبید با قطع رابطه خود با این مشاور واکنش نشان داد.

مقامات دیپلماتیک واشینگتن بلافاصله پی بردند این اقدام بخشی از بازی بزرگتری است که عربستان در نظر دارد به اجرا در آورد. یکی از کارشناسان اظهار داشت که انتظار می‌رود عبید به پست دیگری در دولت گمارده شود و روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد که دولت سعودی مقاله آقای عبید را انکار و شاهزاده ترکی قرار داد خود

را با اولغو نمود. ولی دیپلمات‌های عرب روز سه شنبه اظهار داشتند که مقاله آقای عبید نظرات دولت سعودی را منعکس نموده که به روشنی مخالفت خود را با خروج نیروهای آمریکا از عراق ابراز داشته بود. در این بین یک هفته بعد سفیر عربستان در واشنگتن، شاهزاده فیصلی، نه‌گهان شغل خود را از دست داد و به کشورش احضار شد. در این جا چه خبر بوده؟ ملک عبدالله با این کار در صدد بود چه پیامی برای تهران و واشنگتن بفرستد؟ بهترین راه برای درک سیاست عربستان و آن است که بعداً اتفاق افتاد آن است که جریان قیمت نفت را در دو سال بعد دنبال کنیم. بودجه عربستان سعودی برای سال ۲۰۰۷ بر مبنای بهای نفت ۲۴ دلار در هر بشکه بوده بود که از ۲۴ دلار در هر بشکه پایین‌تر نیاید و تولید روزانه می‌بایست ۱۰ میلیون بشکه باشد.

ولی در تابستان ۲۰۰۷ با وجود تلاشهای فراوان برای جلوگیری از افزایش، قیمت به بالاترین میزان خود در یک سال قبل یعنی ۷۸ دلار بازگشته بود. اعضای اوپک نیز در ظاهر قول دادند اجازه ندهند قیمت از ۸۰ دلار در هر بشکه تجاوز نماید با وجود این در پایان نوامبر ۲۰۰۷ بهای نفت به میزان باور نکردنی ۹۸ دلار رسید. در نتیجه در ژانویه ۲۰۰۸ پرزیدنت بوش شخصاً از ملک عبدالله درخواست نمود جلوی افزایش را بگیرد چون رفته رفته آثاری در اقتصاد آمریکا پدید آمده که تحت فشار قیمت بالای نفت کمرش در حال شکستن است. رهن خانه‌ها در حال باطل شدن است و افزایش بدهی‌ها و تزلزل در بانک‌ها مشاهده می‌شود.

سعودی‌ها لوله‌های نفت خود را باز کرده و در روز ۲۵۰۰۰۰ بشکه بیش از سهمیه اوپک خود تولید نمودند. گویا این کار هم کافی نبود چون سعودی‌ها مجدداً تولید خود را بالا برده و از ۹/۲ میلیون

بشکه در روز به ۹/۷ میلیون بشکه در روز رساندند. در ماه آوریل بهای نفت سقف ۱۰۰ دلار را شکسته در ماه می به ۱۱۸ و بالاخره در ژوئیه به ۱۴۷/۲۷ دلار در هر بشکه رسید.

پس از این تحولات، قیمت نفت با اشباع بازار به وسیله سعودی‌ها به سرعت سقوط و اقتصاد آمریکا خود را جمع و جور نمود.

در ماه سپتامبر هنگامی که قیمت‌ها به ۱۰۷ دلار بازگشته بود این بار نوبت احمدی نژاد بود که نگرانی خود را نشان دهد. ایرانی‌ها تصور کرده بودند که قیمت نفت از ۹۰ دلار پائین‌تر نخواهد آمد لذا از سعودی‌ها درخواست نمودند که سطح قیمت‌ها را در همین حد نگاه دارد ولی ملک عبداللّه با بازنگاه داشتن لوله‌ها و فروپاشیدن ساختار قیمت نفت پاسخ احمدی نژاد را داد به طوری که در ماه دسامبر بهای نفت به هر بشکه ۴۳ دلار بازگشته بود. سعودی‌ها که از کار خود راضی شده بودند تولید را ۸/۵ میلیون بشکه در روز پایین آوردند. در ماه ژانویه ۲۰۰۹ هنگامی که قیمت نفت باز هم تا ۳۳ دلار در هر بشکه سقوط نمود سعودی‌ها بار هم تولید خود را پایین آورده و به ۸ میلیون بشکه رساندند.

در این حال من به اسنادی دست یافتم که نشان می‌داد رئیس جمهور جerald فورد و رؤسای عالی رتبه کاخ سفید در اوایل تلاش سعودی‌ها برای اشباع بازار نفت در سال ۱۹۷۷ دست داشتند. این اسناد پرسش شگفت انگیزی را به میان می‌آورد که چرا کشور آمریکا با وجود این که می‌دانست این کار به اقتصاد ایران صدمه وارد می‌سازد از چنین عمل پنهانی که موجب آزار متحد نزدیک خود یعنی شاه گردید، پشتیبانی نموده است. رؤسای جمهور ریچارد نیکسون و فورد

هر یک از شاه در کاخ سفید پذیرایی نمودند، از او به عنوان یک سیاستمدار و یک دوست تمجید نمودند و هر گونه اسلحه جدید را در اختیار او قرار دادند و هزاران نفر مشاور نظامی را برای او فرستادند و حتی پیشنهاد فروش راکتور اتمی به او دادند. این اسناد احتمال وجود یک بحران سری در روابط بین عالیتین سطوح و تنش های معلوم قبلی را آشکار نمود که منجر به یک جریان خطرناک بر روی قیمت های آینده بلند مدت کارتل اوپک گردید.

همان طور در اکتبر ۲۰۰۸ مقاله ای به شرح زیر در روزنامه میدل ایست شرقی منتشر شد:

در حالی که اکنون توجه استادانه ای بر روی اصل پیدایش وضعیت داخلی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی انقلاب نشان داده شده نقش و وضعیت مالی دولت و به ویژه درآمدهای نفتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. انقلاب ایران نکات و شباهت مشترکی با دو انقلاب بزرگتر دیگر دارد یعنی انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ و انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷.

قبل از شروع هر سه انقلاب اغتشاش بی‌سازمان مالی وجود داشته است. در مورد ایران نوسانات فوق العاده در آبان سال ۱۹۷۷ تأیید گردیده و بوسیله خبرنگاران خارجی مقیم تهران به موجب قرار گرفته است. ولی علت عقلانی و پنهانی تصمیم عربستان سعودی برای به توپ بستن افزایش بهای نفت اپک در ۱۹۷۶ و به ویژه نقش دولت فورد در آن تصمیم سرنوشت ساز تا این تاریخ توضیح داده نشده است.

تحقیقات من برای درک تاریخچه ای از دیپلماسی آمریکا، ایران و سعودی از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۷ و داستان پشت پرده دوران هشت

ساله در زمانی که کشور آمریکا از مقام تولید کننده اول نفت در جهان به بزرگ ترین وارد کننده نفت تبدیل گردید آغاز می گردد.

بدین ترتیب خاندان سلطنتی عربستان سعودی جانشین شاه ایران گردیده و به عنوان متحد غیر قابل انکار واشنگتن در خاورمیانه شناخته شده است.

اینک داستان محرمانه چگونگی رفتار ریچارد نیکسون و جerald F. Ford با ایران و عربستان سعودی در برخورد با چالش های اتکای روزافزون آمریکا بر منابع خارجی انرژی و چگونگی برخورد نیکسون با روابط آن آمریکا به ویژه در مدت بحران انرژی در سال های اولیه ۹۷ فاش می گردد. اضافه بر آن در بحران اقتصادی فاجعه آمیزی که در دهه ۷۰ واپسین دولت فورد پیش آمد و سرانجام فورد احساس نمود چاره ای جز پشتیبانی از یک نقشه بسیار جالب پشت پرده برای شکست قدرت اوپک با کمک سعودی ها ندارد، افشا می گردد.

این کتاب روشن می سازد که کمالاتی آمریکا و عربستان علیه رهبری شاه بر اوپک توطئه ای به منظور سرنگون کردن حکومت وی بر ایران نبوده است.

انقلاب ها پدیده های بسیار پیچیده ای هستند که با اطلاعات توطئه آمیز نمی توان آن ها را خلاصه یا فقط با یکی دو علت تحلیل نمود. معهذاً شکی وجود ندارد که تصمیم آمریکا برای شکست اوپک در بدترین زمان ممکن مشکلات عظیمی برای شاه بوجود آورد. این موضوع ضربه روانی سختی با پایین آوردن موقعیت او به عنوان رهبر اوپک و ایجاد تفکری از ضعف سیاسی او در داخل و خارج کشور بر او وارد آورد. این نشانه ای از ازدست دادن کنترل شاه بر

منبع اولیه درآمد دولت به شمار می‌رفت و پایه‌های اقتصاد ایران را به لرزه درآورد. همان‌طور که ناآرامی‌های داخلی علیه شاه ظاهر می‌گشت تبانی و ساخت و پاخت آمریکا با سعودی‌ها برای شکستن اوپک از داخل و تحویل آن به سعودی‌ها فاجعه بزرگی برای منافع آمریکا به وجود می‌آورد.

گرچه اغتشاشات اقتصادی که در هنگام انقلاب گریبانگیر ایران شده بود را می‌توان به‌طور کامل ناشی از این عوامل قلمداد کرد ولی کودتای آمریکا و سعودی‌ها علیه اوپک، فرآیند فروپاشی ایران را تسریع نمود.

کتاب شاهان نفت شرح چند لایه‌ای است که از دریچه سیاست نفتی آمریکا نوشته شده است. این کتاب را می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نخست از دیدگاه اخلاقی دایر بر نفوذ مفسده‌آمیز نفت بر سیاست‌دانی‌ت داخلی آمریکا به عنوان عامل کاهش قدرت آمریکا در زمان عقب‌نشینی از ویتنام، دوم موضوع رسوایی واترگیت و بحران انرژی به صورت مبارزه بر سر قدرت میان شخصیت‌هایی همچون نیکسون، شاه، شیخ احمد زکی یمانی، هنری کیسینجر و وزیر خارجه آمریکا، و سلام سلیمان وزیر خزانه‌داری، جیمز شلزینگر و دونالد رامزفلد وزرای دفاع برای کالبد شکافی امپراطوری ایران و در این مورد خاص، سلسله‌ای از چگونگی طلوع و افول سلطنت ایران با بازار نفت، سوم مسائل پیروزی ملی‌گرایی در تسویه حساب‌هایی بین رقبای قدیمی یعنی ایران و عربستان سعودی، و سرانجام دیدگاهی که این دو کشور را دوستان و متحد‌هایی محتاط نسبت به یکدیگر در تقابل ژئوپولیتیک جنگ سرد در ارتباط با بازار نفت و اقتصاد جهانی که خطوط نامعلوم

آن در میانه‌های دهه ۱۹۷۰ شروع به شکل‌گیری نمود، در نظر می‌گیرد. این دیدگاه‌ها است که روابط آمریکا و ایران را به صورت بین‌المللی در آورده، و انقلاب ایران را از لحاظ وقایع دو جانبه و داخلی در زمینه‌ای، استراتژیک و ژئوپولیتیک خارج از مرزهای ملیج فارس قرار می‌دهد.

اما از بیان تنش‌هایی که بین آمریکا و ایران بر سر مسئله نفت وجود داشت را بدون در نظر گرفتن وقایعی که در نقاط دورتر از قبیل ریتانیا، فرانسه، پرتغال، ایتالیا، اسپانیا و کانادا اتفاق افتاد غیرممکن دانستم.

چنگ و قوچین وقایع در روابط دو جانبه واشنگتن و تهران بدون شک مآلها بر مسئله دانش پژوهان مورد بحث قرار خواهد گرفت. این روایت شامل داستان‌هایی است که برای اولین بار گفته می‌شود. برای مثال دخالت گفته شده ایران، اگر نگوئیم دست کاری مستقیم در روش‌ها و سیاست خارجی آمریکا در دهه ۱۹۷۰ میزان دست‌اندازی کشورهای خاورمیانه مستقیماً در داخل دفتر رئیس‌جمهور و تصمیم‌گیری رئیس‌جمهور به بیان اعجاب‌آوری در سیاست داخلی و خارجی آمریکا اثر گذارده‌اند. اینک پاسخ آمریکا به جنگ ۱۹۷۱ پاکستان و هندوستان را می‌دانیم و می‌دانیم که انتخابات سال ۱۹۷۲ ریاست جمهوری جنگ اسرائیل و اعراب در ۱۹۷۳، تحریم نفت ۷۴-۱۹۷۳ اعراب، خرید نفت در سال‌های ۱۹۷۴-۷۵، رفت و آمدهای صلح خاورمیانه در ۱۹۷۵ و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ۱۹۷۶ تماماً با دخالت ایران همراه بوده است. این کتاب به پرسش‌هایی که سال‌ها درباره احتمالات برنامه‌ریزی نظامی ایران و آمریکا، پروژه جاسوسی آی‌بکس (IBEX)، برنامه

نوظهور اتمی ایران، و معاملات اسرارآمیز سرهنگ ریچارد هالوک که بی جواب مانده بود جواب می دهد و به بحث هایی که درباره نحوه معاملات محرمانه نیکسون و شاه درباره قیمت های نفت و فروش اسلحه به ایران خاتمه می دهد. مقامات کاخ سفید از تهدید تروریست ها برای اتباع آمریکایی که در ایران وجود داشت آگاهی داشتند. آمریکا از مخالفت روزافزون مردم نسبت به شاه و این که کسی در کاخ سفید از محالجات محرمانه شاه را که عاقبت به قیمت جان او تمام شد اطلاع قابل داشت و آگاه بود.

هنری کیسینجر وزیر خارجه آمریکا زمانی به طور آشکار شاه ایران را به عنوان یکی از پادشاهان رهبران جهان و یک متحد بدون قید و شرط، و کسی که درک از رضع جهان بر درک ما برتری دارد، تعریف نمود. مدت سی سال ما این کیسینجر را قبول کرده بودیم. وی در دهه ۱۹۷۰ یک رسته معاملاتی با شاه بطور فوق العاده محرمانه انجام داد که شامل میلیاردها دلار انتقال پول، افراد، و ماشین آلات بود به میزانی که حتی امروز نیز تصور آن غیرممکن است. واقعاً آن همه ثروت ها به کجا رفت؟ چگونه مصرف شد؟ کیسینجر در خاطراتی که در ۳۹۵۵ صفحه و ۱۹۳۰ عکس تالیف کرده با هر یک از رهبران جهان، وزرای خارجه و سفرای مهم در عکس شرکت نموده جز با شاه ایران، انسان تعجب می کند که این کشور با دسته ای از غازها در چین عکس گرفت ولی با مردی که این همه ثروت تعریف نمود عکسی ندارد؟ کتاب های او هیچ چیز مهمی درباره همکاری نزدیک او با شاه ایران را بازگو نمی کند، برای مثال کیسینجر درباره معامله محرمانه و دو جانبه نفت فقط سه جمله ذکر کرده است که نکته اصلی بخش دوم کتاب مرا تشکیل می دهد. ویلیام شاوکر اس

نویسنده انگلیسی زمانی اظهار داشت خوانندگانی که در پی یافتن درک روابط ایران و آمریکا هستند چیزی در خاطرات کیسینجر نخواهند یافت. روشی که این دو مرد یعنی نیکسون و کیسینجر از شاه سخن گفته‌اند بیان‌گر آن است که نویسندگان شرح حال خود تا چه حد از لحاظ مراجعه به این منابع ناقص عمل کرده‌اند، چه رسد به شرح وقایع تاریخی. این خست در بیان مطالب را تنها می‌توان یک هدف برای آن در نظر گرفت و آن هم پوشاندن حقایق بوده است. ولی کیسینجر در این مورد تنها نبوده چون همان‌طوری که شاوکراس می‌گوید، نیکسون فقط دو مرتبه در شرح حال خود به شاه اشاره کرده است که قیفاً دو مورد بیش از سلف خود جerald فورد در شرح حال خود بوده است. ریچارد هلمز مردی که نماینده حفظ منافع آمریکا به عنوان سفیر آمریکا در تهران خدمت کرده است در خاطراتش نوشته است، جای شگفتی است که شاه ارزش دفاع را داشته چطور ارزش صحبت کردن درباره او را نداشته است.

کتاب من از یادداشت‌های از طبعه بنای خارج شده مذاکرات ژنرال برنت اسکوکرافت معاون کیسینجر و چنانچه نهایی او در پست مشاور امنیت ملی استفاده کرده است. اسکوکرافت در تمامی ملاقات‌ها و مذاکرات مهم کاخ سفید درباره نفت، ایران، عربستان سعودی در فاصله زمانی از اواخر ۱۹۷۳ تا پایان ژانویه ۱۹۷۷ شرکت داشته است.

علاوه بر این، از رونوشت مذاکرات تلفنی کیسینجر در کاخ سفید که از سرّی بودن خارج شده و در خاطرات اسدالله علم وزیر دربار ایران آمده و خاطرات رئیس سابق فدرال جانشین آمریکا آرتور برنز و هزاران صفحه تلگرافات و یادداشت‌های صادره از وزارت خارجه،

وزارت دفاع، سی.آی.ا. (سیا)، شورای امنیت ملی و سازمان انرژی فدرال، مکاتبات شخصی نیکسون و فرود با سران کشورهای خارجی از جمله ایران و عربستان، مصاحبه‌هایی که شخصاً با چند نفر از مقامات باقی مانده از هر یک از طرفین که اطلاعاتی از دیپلماسی زمان بمبایل به صحبت درباره آن داشتند، ژنرال اسکو کرافت، وزیر دفاع سابق جیمز شلزینگر، رئیس سابق سازمان انرژی فدرال فرانک زرب، و نجر خا... سفیر سابق ایران اردشیر زاهدی و دیپلمات‌های بازنشسته آمریکایی به طوری که بعداً معلوم شد همین افراد هم درباره میزان کامل تعهد نیازی از معاملاتی که در این صفحات آشکار گردیده بی‌اطلاع بوده‌اند استفاده کرده‌ام. یکی از ویژگی‌های روابط کیسینجر و شاه این بود که تمام توافقات را بصورت شفاهی انجام داده و آثاری در روی کاغذ باقی نگذاشتند.

کیسینجر معاملات را مخفی نگه می‌داشت و دست همکاران خود را از کانال‌های پشت پرده کساح شاه قطع می‌کرد و از فریب‌کاری‌های کامل برای بیرون انداختن آنها تعقیب جریانات، خودداری نمی‌کرد. فرانک زرب در این که کیسینجر در مذاکرات او با دولت ایران خراب‌کاری کرده است هیچ‌گونه اطلاعی نداشته. تنها در جریان مصاحبه ما بود که شلزینگر وزیر دفاع سابق در جریان پشت پرده معامله ۵۰۰ میلیون دلاری با ایران که او به شدت با آن مخالفت کرده بود و به اجرا درآمد، آگاه گردید.

اعتیاد مزمن اقتصاد آمریکا به نفت ارزان قیمت برای همه آشکار است ولی آن‌چه که کمتر شناخته شده آن است که این اعتیاد از چه تاریخی آغاز شد و چرا آمریکا تا این حد به ویژه به عربستان سعودی برای حسن نیت دائم و همکاری لو متکی گردید. همین موضوع در

مورد روابط زهراآگین آمریکا با ایران صحت دارد. این دو کشور اینک مدت‌هاست به‌طوری با یکدیگر دست به یقه شده‌اند که به سختی می‌توان باور کرد روزگاری با یکدیگر متحد بوده‌اند. اگر از نقشه احتمالی آمریکا که در گذشته درس داشته بگذریم، تا روزی که این دو کشور به صلح نرسیده و تنش‌های آن‌ها حل نشود، ناچار به قبول این حقیقت هستیم که درخت روابط ایران و آمریکا سال‌های زیادی میوه زهراآگینی به بار خواهد آورد.

پیراکوس - یونان ۲۰۱۰